

# گوشه هایی از فعاليت‌هاي ديپلماسي و ديدگاه‌هاي سياسي امير نظام گروسي

شهرام غلامي (۱)

(فعاليت‌هاي ديپلماسي و ديدگاه‌هاي سياسي امير نظام گروسي)

حسنعلي خان گروسي در سال ۱۲۷۵ ه.ق به عنوان وزير مختار وايلچي مخصوص دولت ايران به جاي فرخ خان امين الدوله به اروپا فرستاده شد. به نظر مي‌رسد که توفيق وي در بازگرداندن سفير انگليس از بغداد به ايران و توفيق در انجام مأموريت‌هاي سياسي و نظامي سال‌هاي اخير، وي در ميان رجال حکومتي براي انجام چنين مأموريتي، لياقت بيش تري داشته است. همزمان مأموريت حسنعلي خان گروسي تقريباً تمامي کشورهاي اروپايي بود ولي مقر اصلي سفارت ايران در پاریس قرار داشت. هدف از اعزام اين هيأت جلوگیری از نفوذ انگليسي‌ها در خليج فارس و

تلاش برای بازگرداندن حاکمیت ایران بر افغانستان و اثبات تمامیت ارضی ایران و امکان اتحاد با دیگر قدرت‌های اروپایی در مقابل سیاست‌های رقابت‌آمیز روسیه و انگلستان در ایران بود. امیر نظام نیز با مثبت ارزیابی کردن این سیاست، حمایت دول بزرگ اروپایی را ضامن استقلال ایران می‌دانست و بر لزوم همکاری نزدیک با کشورهای بزرگ اروپایی بالأخص به ویژه فرانسه تأکید داشت. وی در این باره نوشت که دولت ایران باید نوعی تلاش نماید "که رول بزرگ فرنگستان را ضامن استقلال دولت علیه قرار دهند والا با این حالت حالیه و اقتضای پولتیک دول همجوار حالت دولت علیه همیشه متردد و متزلزل خواهد بود" (۱)

چنین به نظر می‌رسد که امیر نظام، سیاست دولت تزاری روسیه را بیش‌تر ناقض استقلال سیاسی ایران می‌دانست و یکه تازی انگلیسی‌ها در عرصه سیاست ایران را بهتر از رقابت‌های بازدارنده‌ی روسیه می‌دانست. به همین منظور وی بیش‌تر در جلب حمایت انگلیسی‌ها بود. با این دیدگاه در ملاقاتی که با "لرد کاولی" نماینده‌ی وزارت خارجه انگلیس در پاریس به عمل آورد، از لزوم تقویت نفوذ انگلستان در برابر همسایه شمالی ایران و همچنین از گسترش مراوده‌ی انگلیسی‌ها جهت ترقی سیاسی و اجتماعی ایران بحث به میان آورد. او معتقد بود که علت عمده‌ی تضعیف ایران، به دلیل عدم حمایت فاطعانه دولت انگلیس در مقابل روس‌ها می‌باشد. امیر نظام در این ملاقات از لرد کاولی درخواست نمود تا انگلستان "همیشه سعی خود را در حفظ استقلال دولت علیه صرف نموده و به هر وسیله که ممکن شود و موقع پسندیده بدست آید، این مسئله را مطرح نماید" (۲)

۱- احمد سهیلی خوانساری: امیر نظام در سفارت فرانسه و انگلستان، تهران، نشر اقبال، ص ۱۷

۲- احمد سهیلی خوانساری: پیشین، ص ۲.

با این دیدگاه امیرنظام گروسی، مراوده‌ی دوستانه و ارسال تحف و هدایا توسط شاه ایران به سایر کشورهای اروپایی، بخصوص انگلیس را بسیار پسندیده و ضروری می‌دانست و تحریک دوستی این کشور نسبت به سایر دول اروپایی را ترجیح می‌داد.<sup>(۱)</sup> البته امیرنظام ایجاد مراوده‌ی دوستانه با انگلستان را منوط به "اقامت دائمی مأمور دولت ایران در لندن و اعتماد کامل دولت انگلیس به شخص مأمور" می‌دانست و معتقد بود دولت انگلستان اقامت دائمی سفیر ایران در فرانسه را کسر شأن خود می‌داند و حتی الامکان توقف یک ماه یا دو ماه سفیر ایران در لندن نیز از کارایی چندانی برخوردار نخواهد بود. زیرا علی‌رغم صلحی که میان دو کشور فرانسه و انگلستان وجود دارد. چون "پولتیک حقیقی این دو دولت برضد یکدیگر است" در این صورت مأمور ایران محل اعتماد طرفین نخواهد شد و "اقوال و افعال و اظهارات او به طوری که باید مقبول نخواهد یافت."<sup>(۲)</sup>

حسنعلی خان امیرنظام نظر به حسن نیتی که به طرح مراوده‌ی دوستانه با انگلستان داشت، برای اعاده مالکیت ایران بر افغانستان تلاش‌های زیادی انجام داد. او تحت تأثیر روزنامه‌های انگلیسی و همچنین با توجه به وضعیت بحرانی انگلیس در هند؛ شورش‌های دولت محمدخان در انگلستان و ظاهرسازی‌های دیپلمات‌های انگلیسی به نحو خوشبینانه‌ای نظر انگلیسی‌ها را راجع به افغانستان، تغییر یافته می‌پنداشت و در نتیجه موقعیت را برای گفت و گو با آن کشور و بازگرداندن افغانستان به ایران مساعد می‌دانست و با حرارت تمام این مسئله را دنبال می‌کرد. امیرنظام باور داشت که چنانچه دولت ایران "با دولت انگلیس گرم بگیرد و بعضی اطمینان‌های باطنی درباب دولت روس به او بدهد و این مسئله را به طور

۱- همانجا ص ۸-۹  
 ۲- همانجا ص ۳۷-۳۸

خوشی طرح نماید، دولت انگلیس بی مضایقه شرایط خودش را درباب هرات و افغانستان تغییر خواهد داد." علاوه بر این وی از دولت ایران درخواست نمود تا با مسیوتونل Tonel وزیر امور خارجه فرانسه و ناپلئون سوم امپراطور این کشور وارد مذاکره دوستانه شوند تا آنها از مواضع در افغانستان در مقابل انگلیسی ها حمایت نمایند. (۱)

امیر نظام در تعقیب این هدف همراه با سایر اعضای سفارت ایران در سال ۱۲۷۶ ه. ق از پاریس به لندن رفت و مدت یک ماه در آنجا اقامت نموده وی در نامه‌ای مفصل به دولت ایران برخی اهداف انگلستان در هند و افغانستان را تشریح نمود. از جمله وی نوشت: "همه‌ی آن ممالک که دولت انگلیس از هندوستان تصرف کرده‌اند به ملاحظه‌ی ازدیاد منفعت و مملکت‌گیری نبوده، بلکه به جهت حفظ داخله آن ممالک به تصرف اطراف مجبور شده‌اند و از غالب آن ممالک به هیچ وجه منفعتی به آنها عاید نمی‌شود..." در ادامه وی بر این باور بود که دلیل مخالفت انگلیسی‌ها و مخالفت از نفوذ ایران در هرات به خاطر خنثی کردن توطئه‌های دولت روس بوده ولی اکنون به چند دلیل در پولتیک خود تجدید نظر کرده‌اند زیرا از "...از هندوستان اطمینان ندارند... و ظهور اختلال در افغانستان بیش تر باعث انقلاب هندوستان خواهد شد... چنان استنباط می‌شود که [انگلستان] این اوقات از صرافت خیالات سابقه افتاده

۱- پیشین ص ۴۱ - ۴۰ - به نظر می‌رسد که این برداشت‌های امیر نظام تحت تأثیر روزنامه‌های فرانسوی و گزارشات کنت دوگوبینو سفیر آن کشور در ایران صورت گرفته باشد چرا که گوبینو در گزارش خود عنوان کرد بود که [انگلیسی‌ها] اصولاً نسبت به امور افغانستان و سایر موارد بسیار کم‌تر از سابق حساسیت نشان می‌دهند.»

آدریان می‌تی‌هک یادداشت‌های سیای کنت دوگوبینو، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر جویا، ۱۳۷۰ ص ۲۴۲ و همانجا ص ۲۶۰ و نیز ر. ک امیر نظام در سفارت فرانسه... ص ۳۹-۴۰

در مقام دلجویی اولیای دولت علیه و تدارک مافات هستند...» (۱)

هر چند تشخیص امیرنظام گروسی در مورد مشکلات جدید انگلستان در هند و افغانستان درست بوده اما این بدان معنی نبود که دولت انگلیس به آسانی از مطامع و منافع خود در افغانستان دست بردارد. البته عوامل دیگری که به‌طور مشخص مانع از این نیات دور و دراز امیرنظام می‌شد، عدم قاطعیت در دیپلماسی خارجی ایران، بی‌برنامگی و ضعف سیاسی ایران بود. از طرف دیگر حسنعلی خان گروسی تنها کسی نبود که فریفته‌ی ظاهر سازی‌های دولت انگلیس گردید، بلکه سایر مقامات سیاسی ایران نیز در این بازی سیاسی مغلوب انگلیسی‌ها شدند و تقریباً به همان باور امیرنظام رسیده بودند. چنانکه محمدحسین خان قزوینی که به عنوان سفیر فوق‌العاده‌ی ایران راجع به موضوع هرات به لندن فرستاده شده بود، پس از بازگشت به فرانسه در ملاقات با امیرنظام گروسی نتیجه‌ی مذاکرات خود را در مورد هرات مثبت ارزیابی کرده و به وعده‌های دولت انگلیس دل خوش کرده بود. (۲) وی در نامه‌ای به وزارت خارجه ایران، استقلال هرات را حتمی می‌دانست. همچنین محمودخان ناصرالملک سفیر ایران در لندن با این نوع بازی‌ها سرگرم شده بود. (۳)

به هر حال دولت انگلیس با اقدامات واهیانه و بندوبست‌هایی که با دولت روسیه به عمل آورد توانست بر مشکلات و شورش‌هایی که در هند و افغانستان به وجود آمده بود غلبه نماید. بنابراین تلاش‌های حسنعلی خان گروسی به جایی نرسید و او که به مراوده‌ی دوستانه با انگلیسی‌ها دل خوش کرده و امیدوار بود تا با استقاده از وضعیت

۲- پیشین ص ۶۷

۱- پیشین، ص ۱۵-۱۲

۳- منصوره اتحادیه: گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰-۱۲۰۰ هـ-ق) تهران، انتشارات آگاه

ص ۳۶-۳۵ و ص ۲۲۵

بحرانی آن کشور در هند، به اعاده‌ی حاکمیت ایران بر افغانستان کمک نماید، به کلی مایوس گردید و مجبور شد در دیدگاه خود تجدید نظر نماید. امیر نظام در نامه‌ای که به تاریخ ۸ شوال ۱۲۷۹ ه. ق برای محمود خان ناصرالملک نوشته، بنابه چهار دلیل به طور مفصل درباره‌ی تغییر بینش سیاسی خود نسبت به انگلستان توضیح داده است. وی در توضیح دلیل خود مبنی بر سوء رفتار دولت انگلیس نوشت: "...چه دلیلی بهتر... که زیاد از یک سال است که دولت محمدخان سر برآورده و با کمال آزادی قلعه هرات را تصرف نموده... و دولت انگلیس در مقابل این همه اعتماد و اظهارات محقانه دولت ایران پای سخت‌گیری و عدم موافقت خود را بر یک نقطه‌ای گذاشته ابداً خود را آشنا نمی‌کند." (۱)

امیر نظام بعدها نیز که وزیر مختار ایران در استانبول بود در نامه‌ای به ملکم خان ناظم الدوله بابدبینی تمام نسبت به سیاست انگلیسی‌ها در ایران نوشت: "در طی سال گذشته، هنوز هیچ یک از وزرای این دولت، یک کلمه حرف محرمانه به مأمورین ما نزده است و مراوده‌ی انگلیسی‌ها به ایران محض ادای تکلیف ظاهری و از روی بی‌قیدی و خالی از هر نوع محرمیت بوده است." (۲)

گفتگوی ایران با انگلیس بر سر مسئله هرات تا چندین سال بعد بود همچنان جریان داشت. این امر به تنها کوچک‌ترین نفعی به حال ایران نداشت و تغییری در سیاست انگلستان به عمل نیاورده بلکه این مسئله به نظر امیرنظام تنها باعث بی‌اعتبار شدن حیثیت ایران گردید. امیرنظام معتقد بود که ایران بایستی سیاستی قاطعانه و منطقی در مورد هرات و افغانستان در پیش گیرد. به طوری که به کلی مسئله‌ی هرات

خود عنوان کرد بود که [انگلیسی‌ها] اصولاً نسبت به امور افغانستان و سایر موارد بسیار کمتر از سایر

۱- ۲۱-۵۱، پیشی-۱

۱- احمد سهیلی خوانساری: پیشی، ص ۷۱-۷۲

۲- استاد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران، مورخ ۱۲۸۹

و مداخله در امور آن صرف نظر کرده خود را آسوده کند و یا پاره‌ای ملاحظات را ترک نموده، یک مرتبه اقدام فوری و محسوسی نماید" زیرا در غیر این صورت ایران تنها "اوقات خود را صرف و خزانه خود را خرج" نموده و "اعتبار خود را در انظار خارجه و داخله" از دست داده است. به نظر امیر نظام گروسی تکلیف اول و آخر دولت ایران چه در مورد افغانستان و چه در موارد دیگر این بود که "پولتیک مخصوص برای خود قرار بدهد و در هر موقعیتی به مقتضای آن رفتار نماید" و تا هنگامی که "پولتیک عمومی دولت ایران معین نشود" نمی‌توان برای احراز حاکمیت و اعاده‌ی حیثیت خود اقدام نماید. (۱)

در این دوره انگلیسی‌ها نه تنها حقوق و مالکیت ایران در افغانستان را نادیده می‌گرفتند بلکه از این مرحله هم‌پا فراتر گذاشته و تلاش می‌کردند تا مالکیت ایران بر سیستان و بحرین را نیز مشکوک جلوه دهند. با این حال حسنعلی خان امیر نظام در نامه‌ای به فرخ خان امین الدوله ادلایل متعددی مبنی بر مالکیت ایران بر سیستان اقامه کرد. (۲) همچنین برای به رسمیت شناختن حاکمیت ایران بر بحرین تلاش‌های زیادی انجام داد، لیکن مقامات انگلیسی از دادن جواب قاطع به وی طفره می‌رفتند. امیر نظام درباره‌ی نیات و اقدامات مشکوک انگلستان در بحرین نوشت: "...از افرادی که معلوم می‌شود، دولت انگلیس اگر هم خودش چشم داشت و توقعی در جزیره بحرین نداشته باشد، دوست دارد که این مسئله را همیشه مردود و مشکوک فیه گذاشته، مالکیت دولت علیه نیز محقق نشود". (۳) حسنعلی خان گروسی اصرار داشت که عدم

۱- احمد سهیلی خوانساری؛ پیشین، ص ۸۷-۸۲

۲- فرخ خان امین الدوله: مجموعه اسناد و مدارک امین الدوله، به کوشش قدرت‌الله روشنی و کریم اصفهانیان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ج ۳ ص ۲۰۹-۲۰۷

۳- سهیل خوانساری، پیشین، ص ۵۸

اعتراف دولت انگلیس مبنی بر حاکمیت ایران در بحرین، "تصرف و موجب بطلان حقوق دولت ایران نمی‌شود" بنابراین او دولت ایران را به ادامه کار در بحرین و ایستادگی در مقابل خواسته‌های دولت انگلستان تشویق می‌کرد.<sup>(۱)</sup>

با توجه به توسعه طلبی‌های انگلیس در خلیج فارس و عدم حسن نیت آن‌ها به ایران، حسنعلی خان امیرنظام سعی داشت تا با اتخاذ سیاست موازنه منفی از نفوذ روزافزون آن‌ها در خلیج فارس جلوگیری نماید لذا هنگامی که قرار شد ناوگان کشتی‌های جنگی ایران در خلیج فارس راه اندازی شود، وی هر چند که کشتی‌های جنگی انگلیس را از هر جهت بهتر و مفیدتر می‌دانست، ولی پیشنهاد نمود تا صاحب منصبان آن‌ها از افسران آمریکایی یا هلندی باشند.<sup>(۲)</sup>

حسنعلی خان گروسی در ایامی که سفیر ایران در پاریس بود علاقه وافری به گسترش مراوده با دولت فرانسه داشت و نزدیکی بارفوسای این کشور را سرلوحه‌ی برنامه دیپلماسی خود قرار داده بود. به احتمال زیاد هدف او این بوده که با بسط دادن نفوذ فرانسوی‌ها در خلیج فارس، از نفوذ انحصاری انگلیسی‌ها در این منطقه جلوگیری نماید و به نظر می‌رسد تا حدی مقدمات کار هم فراهم شده بود. بنا به قول مهدی خان ممتحن الدوله، هدف امپراطور فرانسه از ایجاد رابطه‌ی دوستانه با حسنعلی خان گروسی این بود که: "امپراطور خیال داشت، نماینده‌ی ایران را در پایتخت تهران به مقام وزارت خارجه برساند و بعد توسط او جزیره هرمز واقع در دهانه "بحرالعجم"، خلیج فارس را از ایران اجاره نموده، لنگرگاه و مخزن کشتی‌های

۱- پیشین، همانجا

۲- بیانی، ک: فهرست بخشی از استاد دوره قاجاریه، وزارت امور خارجه ایران، تهران، ۱۳۴۵، ج ۲ سواد مکاتبات ۸۵ - ۶۵ و همچنین ر. ک. فریدون آدمیت: اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سهپسالار، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۴۰ - ۳۳۸، و سهیلی خوانساری، پیشین ص ۶۳ - ۶۲.

جنگی قرار دهد تا در موقع حمله به هندوستان نقطه اتکایی داشته باشد". (۱)

ظاهراً بازگشت موقت حسنعلی خان گروسی به ایران در سال ۱۲۸۱ ه.ق و آمدن مسیو دوبوآینیر M. DeBuainier در این زمان به تهران، در راستای تعقیب این هدف بوده است. (۲)

حسنعلی خان گروسی از همان ابتدای ورود به اروپا با مشاهده ی تحولات سیاسی آن کشورها به خوبی به ضعف سیاست خارجی ایران پی برده بود. بنا بر این برای تقویت رابطه ایران با کشورهای اروپایی و اطلاع دقیق از دیپلماسی و خط مشی سیاسی آن کشورها، از دولت متبوع خود خواست تا سفارت خانه های متعددی در اروپا دایر نمایند. امیر نظام سه کشور روسیه، انگلستان و فرانسه را کانون دیپلماسی کل اروپا می دانست. به همین لحاظ به دولت ایران توصیه نمود که "پاره ای خرج های غیر لازم را تخفیف داده" و سفارت خانه های مستقلی در لندن، پترزبورگ و پاریس ایجاد نمایند. امیر نظام در ادامه حوزه ی هر یک از سفارت خانه های مذکور را این گونه مشخص کرده بود:

- ۱ - سفارت مخصوص در لندن (با مأموریت در پروس، بلژیک و سوئیس)
- ۲ - سفارت مخصوص در پاریس (با مأموریت در ایتالیا، اسپانیا، هلند، دانمارک)
- ۳ - سفارت مخصوص در پترزبورگ و مأموریت در دولت اتریش (۳)

۱- میراز مهدی خان ممتحن الدوله: خاطرات ممتحن الدوله، به کوشش حسینی شقاقی، تهران، امیر کبیر، ص ۶۶

۲- پیشین، ص ۶۷-۶۶ و نیز ر.ک. مهدی خان ممتحن الدوله و میرزا هاشم خان: رجال و زرات خارجه در دوره ی ناصری و مظفری، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵، ص ۶۶

۳- احمد سهیلی خوانساری، پیشی، ص ۳۹-۳۸

رفتن امیرنظام گروسی به اروپا و اقامت چندین ساله‌ی او در این کشورها به عنوان وزیر مختار ایران نقطه عطفی در اندیشه و رفتار سیاسی وی به وجود آورد. امیرنظام اگرچه فاقد تحصیلات عالی و آکادمیک بوده، اما از رهگذر تماس با مجامع و مجالس آزادی خواهانه اروپایی به پاره‌ای از اندیشه‌های ترقی خواهانه دست یافت. مشاهده‌ی آثار و تحولات اجتماعی و صنعتی اروپا برای امیرنظام از جهاتی نیز حیرت آور و تعجب‌انگیز و از جهاتی قابل تحسین و تقلید بود. ظاهراً وی در این زمان وارد حلقه‌های روشنفکری و شبه ماسونی شد. در مورد عضویت امیرنظام گروسی در لژهای فراماسونی اروپا، اسناد رسمی و موثق چندانی وجود ندارد و به آسانی نمی‌توان درباره‌ی او قضاوت کرد ولی گزارش‌های تائید نشده‌ی پراکنده‌ای، حاکی از عضویت او در مجامع فراماسونی می‌باشد. از جمله به موجب مندرجات بولتن لژگرانداوریان عده‌ای از دیپلمات‌های اعزامی ایران به اروپا از جمله حسنعلی خان امیرنظام عضو لژ سنسر آمیتییه Sincere (۱) Amitie بوده است. علاوه بر این اسماعیل رائین از شخصی بنام "رحمت الهی" نویسنده ایرانی نام می‌برده که اسنادی راجع به عضویت حسنعلی خان گروسی در لژهای فراماسونی در اختیار داشته است. (۲) به هر حال مسلم است که با تکیه بر این اقوال پراکنده نمی‌توان واقعیتی را ثابت نمود اما حقیقت غیرقابل انکار این است که امیرنظام با چهره‌های برجسته فراماسونی و اعضاء مجمع آدمیت در ایران، از جمله میرزا ملکم خان ناظم الدوله میرزا جعفر حکیم الهی و یوسف خان مستشارالدوله

۱- 397 - 396 (1860 - 5860) Bullc tindu yround.orietede francexv به نقل از:

اسماعیل رائین، فراموش‌خانه با فراماسونری در ایران. تهران، امیر کبیر چاپ چهارم ۱۳۵۷، ج ۱

۲- همانجا ص ۴۴۲

و... همکاری و همفکری زیاد داشته است. علاوه بر این با برخی از اعضای مجمع آدمیت اتحادیه‌های دوستانه و خصوصی تشکیل داده بودند. از جمله در سال ۱۲۸۱ ه.ق که حسنعلی خان گروسی از پاریس به ایران برمی‌گشت همراه با محمدخان ناصرالملک؛ یوسف خان مستشارالدوله و محمدخان مجدالملک پیمان بستند که در کارهای ترقی خواهانه با همدیگر یکدل و متحد باشند.<sup>(۱)</sup> فریدون آدمیت معتقد است که این نوع اتحادیه‌ها شاید اثری از فعالیت محمد فراموش‌خانه است که به ظاهر به هم خورده است.<sup>(۲)</sup>

همانطور که گفته شد به ملکم خان، بنیانگذار فراماسونی در ایران، بیش از هر کسی دیگر مؤانست داشت چنانکه در نامه‌ای به او تأکید کرد که "ما در همه عالم مانند تو یک یار وفادار نباشد. بنابه کثرت میلی که به معاشرت و صحبت شما دارم، از هر راه و به هر وسیله که بتوانم اسباب خارجه و داخله فراهم آورده، می‌خواهم فیض خدمت شما را دریافت نمایم."<sup>(۳)</sup>

ملکم خان روزنامه قانون را به صورت قاچاقی برای امیرنظام و مستشارالدوله به ترنر ارسال می‌داشت. امیرنظام در نامه‌های خود، دریافت روزنامه "قانون" و رقیمه جات ملکم را خوش‌ترین ایام زندگی خود توصیف می‌کند و آن را "حیات دهنده ملت ایران" و شخص ملکم را "و از مملکت ایران می‌نامند و از این که عمرش به آخر رسیده و عمری "برایش باقی نمانده که مقوی و مؤید خیالات" ملکم خان باشد عمیقاً ابراز تأسف می‌نماید.<sup>(۴)</sup>

۱- فریدون آدمیت: اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سهپسالار، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱،

ص ۵۰-۲۴۹ ۲- همانجا، همان صفحه

۳- اسناد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران

۴- پیش، نامه بدون تاریخ

ارتباط صمیمانه امیرنظام با ملکم خان و دیگر اعضاء مجمع ماسونی گویای این واقعیت است که حتی اگر وی به طور مستقیم در آن مجامع حضور نداشته باشد ولی به هر حال با نکته نظرات و دیدگاه‌های آنان موافقت نشان می‌داده است.

حسنعلی خان گروسی که در سال ۱۲۸۹ ه.ق به عنوان وزیر فواید عامه به عضویت کابینه‌ی حسین خان سپهسالار درآمد. او که جزو وزرای اصلاح طلب معروف کابینه سپهسالار بوده به حمایت جدی از برنامه‌های اصلاح طلبان برخاست و با شوق زایدالوصفی به ستایش از اقدامات دستاوردهای سپهسالار در زمینه قانون‌گرایی و مدنیت پرداخت و در نامه‌ای خصوصی نوشت: "... آشکارا می‌بینیم... که از هر طرف اسباب ترقی فراهم می‌آید... چیست از این خوب‌تر در همه آفاق کار که عقاید قدیمه را یک سو نهاد و از بانک و راه‌آهن سخن می‌رود که عمده‌ی اسباب پریشانی و اصلاح حال ملت همین است..." (۱)

امیرنظام علاقه و افری به برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف تجاری، فرهنگی، و علمی با دول پیشرفته اروپایی از خود نشان می‌داد و تلاش زیادی برای جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران از قبیل ایجاد راه‌آهن، تأسیس شبکه تلگراف، ایجاد کارخانه و استخراج معادن به عمل آورد.

امیرنظام جلب سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در ایران را از جهاتی چند برفرستادن دانشجویان به کشورهای خارجی ترجیح می‌داد. زیرا به نظر وی در صورت سرمایه‌گذاری خارجی‌ها در ایران "هر ساله مبلغی از بابت عمده و قیمت مصالح به اهالی مملکت" منفعت می‌رسید. وی به خوبی دریافته بود که در

۱- اسناد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران، نامه مورخه ۹ جمادی الاول ۱۲۹۸ ه.ق) (ق) این نامه به تفصیل در چندین صفحه نوشته شده است.

صورت اعزام دانشجو به خارج و تعلیم آن‌ها در صنایع مختلف چون پس از بازگشت به ایران محل مناسبی برای اشتغال آن‌ها وجود ندارد، مخارج تحصیلی آن‌ها به کلی به هدر می‌رود و هیچ منفعتی عاید دولت و خود دانشجویان نمی‌شود.<sup>(۱)</sup> امیرنظام با این دیدگاه هنگامی که در پاریس اقامت داشت، در دیداری با کاپیتان لنچ مأمور خارجه انگلیس، از او تقاضا کرد تا تبعه آن کشور و آشنایان خود را به هر وسیله ممکن جهت سرمایه‌گذاری در ایران تشویق نماید.<sup>(۲)</sup> علاوه بر این هنگامی که وزیر مختار ایران در استانبول بود برای تأسیس بانک در ایران مذاکرات مفصلی با یک تبعه فرانسوی به نام مسیو مرتون انجام داد و علی‌رغم تلاش‌های روسیه و انگلیس برای ناامن جلوه دادن ایران، وی مسیو مرتون را به ادامه سرمایه‌گذاری در ایران مصمم کرد.<sup>(۳)</sup>

آنچه برای امیرنظام بیش‌تر حائز اهمیت بود، سرمایه‌گذاری در امر گسترش ارتباطات و ایجاد شبکه‌های راه‌آهن بود. به همین خاطر به طور جدی به حمایت از قرارداد "رویتر" و "فامکن هاگن" پرداخت.<sup>(۴)</sup> همچنین امیرنظام به دولت ایران پیشنهاد کرد تا از انتقال شبکه تلگراف انگلیسی‌ها از طریق ایران به هندوستان، ممانعت به عمل نیاورند. زیرا به نظر او گسترش شبکه تلگراف در ایران و ارتباط آن با کشورهای

۱- فریدون آدمیت؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون، ص ۳۹-۳۳۸

۲- احمد سهیلی خوانساری؛ امیرنظام در سفارت فرانسه انگلستان، ص ۵

۳- اسناد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران، نامه مورخه ۹ جمادی الاول

۱۲۹۸ هـ ق

۴- در این رابطه بنگرید به ابراهیم تیموری؛ عضری بی خبری یا دوره امتیازات در ایران، تهران، نشر اقبال، و نیز فیروز کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر ایمری، تهران، علمی و فرهنگی و فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سهپسالار- را مفاد قرارداد

هند و عثمانی نه تنها مفسده‌ای نداشت، بلکه از جهات عدیده به نفع دولت ایران بود. وی بر این باور بود که اگر ایران اجازه اتصال شبکه تلگراف از طریق تهران و بندرعباس به انگلیسی‌ها ندهد، آنان مسیر تلگراف را از طریق بصره و خلیج فارس انجام خواهند داد و این امر به زیان دولت ایران خواهد بود. امیرنظام در مقابل تردید دولت که گسترش مراوده با انگلیسی‌ها از طریق راه آهن و تلگراف را باعث به خطر افتادن استقلال دولت می‌دانستند، چنین استدلال می‌کرد که:

ابداً نمی‌توان تصور کرد که دولت انگلیس و غیر آن به واسطه تلگراف یا راه آهن یا ازدیاد مراوده تبعه و امثال آن، خاک و ملت دیگر را تصرف خواهند نمود یا اگر این چیزها نباشد، راه خیال و چشم داشت آن‌ها مسدود خواهد شد<sup>(۱)</sup>

به نظر امیرنظام عواملی که مانع از ترقی کشور و مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران می‌شد؛ بی‌تدبیری رؤسای حکومتی ایران، نبود آزادی و آزار اتباع خارجی با انگیزه‌های مذهبی بود. بنابراین وی در واکنش به قتل اتباع خارجی که با انگیزه مذهبی در راه آهن عبدالعظیم اتفاق افتاده بود صریحاً نوشت: "...مادام که حالت مردم و اهالی مملکت ما این است، متوقع نباید بود که بهبودی و ترقی در کارها به هم برسد..."<sup>(۲)</sup> امیرنظام اگرچه در پاره‌ای موارد دستاوردهای حکومت ناصرالدین شاه در زمینه ایجاد صنایع و کارخانه‌ها را مفید و قابل تقدیر می‌دانست، اما به‌طور کلی این اقدامات را برای پیشرفت ایران ناکافی دانسته، معتقد بود با توجه به مقتضیات زمان که "ممالک فرنگ هر دقیقه هزار فرسنگ پیش می‌روند"، بایستی

۱- احمد سهیلی خوانساری، پیشین، ص ۶۸-۶۹

۲- ۱۲۷۱

۳- ۱۲۷۱

۴- ۱۲۷۱

۵- ۱۲۷۱

تعبیل بیشتر تری کرد و گام‌های بلندتری برداشته شود.<sup>(۱)</sup> از طرف دیگر امیرنظام که خود در سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا ملتزم رکاب او بود با فراست تمام متوجه شده بود که اگرچه این سفرها ظاهراً به منظور آشنایی شاه با ترقیات کشورهای اروپایی صورت می‌گیرد، اما در واقع نه تنها کوچک‌ترین تأثیری در ترقی و پیشرفت ایران نخواهد داشت بلکه باعث خسران و بدبختی ایران و "ازدیاد رقابت دراز دستان" می‌شد. بنابراین هنگام بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم اروپا، امیرنظام در نامه‌ای به ملکم خان، از او درخواست نمود تا درباره این سفر توضیح دهد که آیا نتیجه‌ی مثبتی برای ایران بدست آمده و یا "...حسن قبول و پذیرایی فوق‌العاده چهارچشمان و رقابت درازدستان را قوت داده و به خطر افتادن ایران را نزدیک کرده است."<sup>(۲)</sup> امیرنظام در رویارویی با تمدن بورژوازی غرب، بیش‌تر جنبه مثبت آن را مدنظر داشت. وی در اکثر نامه‌هایش پیشرفت‌های اروپائیان در زمینه‌های تکنولوژی، صنعت، قانون خواهی و مدنیّت را مورد ستایش قرار داده است. امیرنظام با آگاهی از جنبش‌های آزادی خواهانه اروپا، نتایج بدست آمده آن‌را "تماماً مثبتی برادب و انسانیت"<sup>(۳)</sup> می‌دانست. وی معتقد بود که بعضاً مطالب مفیدی که در اسلام به صورت شعار باقی مانده، عملاً در کشورهای اروپایی به فعلیت درآمده است. با این دیدگاه وی ایران را مکان پرفساد نامیده و در نامه‌ای به یکی از دوستان او را به سیاحت از مغرب و مشاهده "ترقی کمال انسانیت" اروپایی‌ها تشویق نموده است. وی در این باره می‌نویسد: "...خدا شاهد است که بنده را دریغ می‌آید که باوجود چنین فرصتی، مثل شما مخدومی را که «الله‌الحمد» آزادی و استطاعت دارید به آمدن و دیدن این ممالک

۱- همانجا، نسخه شماره ۱۴۷، ص ۱۸ - ۲ - احمد سهیلی خوانساری، پیشین ص ۶۹

۳- اسناد خصوصی ملکم خان، نسخه عکسی دانشگاه تهران

دلالت نکنم، بلکه بیائید و کمال ترقی درجه انسانیت را به رأی العین مشاهده نمائید. افسوس که این مملکت را بلاد کفر می گویند و حال آنکه معنی و حقیقت شعار اسلام در اینجا ساری و جاری است و خدا شاهد است که رحبان مذهب و امتیاز شریعت مطهر را در اینجا ثابت می توان کرد و موجب ثبات عقیده هر عاقلی می تواند شده... تقرب عن الاوطان را وجه همت نمائید و یک مرتبه از لباس عادت عاری گشته، خود را به این صفات بکشید تا آثار قدمت الهی را در خلقت بشر مشاهده نمائید...»<sup>(۱)</sup>

از طرف دیگر امیرنظام، فقدان آزادی در ایران و وجود روحیه استبدادی آن را مورد نکوهش<sup>(۲)</sup> قرار داده و از این که به خاطر روحیه استبدادی حکومت "باب علم بر مردم مسدود شده و راه آمد و شد آن ها به اروپا دشوار گشته اند و از تحصیل منافع و کسب فواید و اطلاع بر ترقی ملل خارجه محروم مانده اند" ابراز تأسف و حسرت می نماید.<sup>(۳)</sup>

۱- امیر نظام گروسی، منشآت، نسخه خطی دانشکده ادبیان مشهد، شماره ۱۷ ص ۱۴۵

۲- امیر نظام گروسی: منشآت، نسخه خطی معتمد الکتاب گروسی، ص ۲۹

۳- امیر نظام گروسی: منشآت، نسخه چاپ سنگی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۹۳۷۴ ص ۱۷۹